

رسول پویان

عشق و آزادی

نوای درد و ماتم تا بکی دل را کند پر خون
غم از دل ها به آهنگ و نوای شاد کن بیرون
بیا مطرب که جشن و شادمانی را کنیم آغاز
به عشق باده خیام و شعر حافظ مفتون
سماع شور مولانا فکن در محفل مستان
زرقص و پایکوبی ساز دلها می شود موزون
ز چنگ رودکی آوای سغد آید به گوش دل
فرات وزنده رود آید به رقص از نغمه جیحون
کند ویرانه آخر درد و ماتم شور دل ها را
به آتش زن پلاس غم به بر کن جامه گلگون
نشد از نوحه و اشک و عزا کام کسی شیرین
برآور ریشه تلخی، عسل باران کن مضمون
ز کشت اضطراب و نا امیدی حاصلی نبود
بکش از قعر ذهن مبتلایان نشوه افیون
شده تعویض و دودی و دعای شیخ بی تأثیر
کسی دیگر نترسد از فریب و حيله و افسون
دل از گند تعفن می فتد بیمار در بستر
بسوزان نعل غم در سینه تاریخ کن مدفون
سیه امراض افراط و تعصب مرگ آزادیست
اگر در ذهن بنشیند ساری می شود طاعون
به پای خویشتن تا کی روی در ورطه دشمن
پلان مافیا تخدیر اذهان را کند افزون
نشد عصای موسی ازدها در دست ابراهیم
نیایی حاصلی از داستان کهنه قارون
زکشت داعش و اخوان و طالب خون میجوشد

منزه کن دل و جان از سموم ایده مغبون
نگیرد اهریمن در سینه نیکان و پاکان جای
حریم قلب پاکان نیست جای فتنه ملعون
حریم دل مکان عشق و آزادی انسان است
نوی عشق و آزادی دل و جان را کند مصئون

2016/6/29